

Research Article

Emamatpajouhi,
Thirteenth year, vol .2
Autumn & Winter 2023
DOI:10.22034/
jep.2026.492357.1639
jep.emamat.ir



A Critical Review of Etan Kohlberg's 'The Imam and the Community in the Pre-Ghayba Period'

Mohammad Shafiei¹ / Mohammad Hasan Mohammadi Mozaffar²

Abstract

Research on periods in which a religious tradition's founders were present is crucial to establishing the authenticity of its beliefs. In 'The Imam and the Community in the Pre-Ghayba Period,' Etan Kohlberg uses a historical-doctrinal approach to examine the Imam's status in Shi'i society and their reciprocal relations. This study critically evaluates that article. A descriptive-analytical assessment finds that Kohlberg's treatment neither fully covers its stated subject nor remains confined to it: many issues central to Imam-community relations are omitted, while numerous unrelated matters receive extensive discussion. In several cases Kohlberg also selects reports and arguments selectively. Despite his stated aim of presenting the Shi'i community's self-image, many of his conclusions diverge from the prevalent Shi'i understanding.

Keywords: Imam's knowledge; sources of the Imam's knowledge; increase in the Imam's knowledge; companions of the Imam; Imam-Shi'a relations; Etan Kohlberg.

*. Date of receipt: December 7, 2024, Date of acceptance: November 4, 2025.

1. PhD Student in Philosophy and Theology, University of Qom, Iran. (Corresponding Author).
m.shafiei@stu.qom.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Shi'a Studies, University of Religions and Denominations,
Qom, Iran. mhmozaffar@gmail.com

دراسة نقدية لمقالة إيتان كولبرغ «الإمام والمجتمع في عصر ما قبل الغيبة»*

محمد الشفيعي^١ / محمد حسن المحمدي مظفر^٢

الملخص

تؤدي دراسة عصر حضور مؤسسي كل مذهب دوراً أساسياً في إثبات أصالة معتقداته. وقد بحث إيتان كولبرغ في مقالته «الإمام والمجتمع في عصر ما قبل الغيبة» مكانة الإمام في المجتمع الشيعي والعلاقات المتبادلة بينهما بمنظور تاريخي اعتقادي. تهدف هذه الدراسة إلى تقويم المقالة نقدياً. وتبين نتائجها، وفق المنهج الوصفي التحليلي، أن مباحث كولبرغ لا تستوفي موضوعها جمعاً ومنعاً؛ فقد أغفلت كثيراً من المسائل المتصلة بعلاقة الإمام بالمجتمع الشيعي، وأطنبت في مسائل كثيرة لا ترتبط بالموضوع. كما اتخذ كولبرغ في بعض المواضع منهجاً انتقائياً في اختيار الروايات والاستدلالات، وجاءت نتائج بحثه في موارد متعددة مخالفة للفهم الشيعي السائد، رغم دعواه الأولية تقديم صورة الشيعة عن أنفسهم. الكلمات المفتاحية: علم الإمام، مصادر علم الإمام، ازدياد علم الإمام، أصحاب الإمام، علاقة الإمام بالشيعة، إيتان كولبرغ.

مقالة محكمة

امامت پژوهش
السنة الثالثة عشرة
العدد الثاني، الخريف
والشتاء سنة ٢٠٢٣
jep.emamat.ir



copyright© the authors

*. تاريخ التسليم: ٢٠٢٤/١٢/٠٧، تاريخ القبول: ٢٠٢٥/١١/٠٤.

١. طالب دكتوراه في الفلسفة والكلام، جامعة قم، إيران. (المؤلف المسؤول).

m.shafiei@stu.qom.ac.ir

٢. أستاذ مساعد في قسم الدراسات الشيعية، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران.

mhmozaaffar@gmail.com

بررسی انتقادی مقاله اتان کلبرگ با عنوان: «امام و جامعه در دوره پیش از غیبت»*

محمد شفيعی^۱ / محمد حسن محمدی مظفر^۲

چکیده

تحقیقات پیرامون دوره حضور بنیان‌گذاران هر مذهب در اثبات اصالت باورهای آن، نقش اساسی ایفا می‌کند. اتان کلبرگ در مقاله‌ای تحت عنوان «امام و جامعه در دوران پیش از غیبت»، با رویکرد تاریخی-اعتقادی به بررسی جایگاه امام در جامعه شیعه و روابط متقابل آنها پرداخته است. تحقیق پیش رو با هدف ارزیابی انتقادی این مقاله انجام شده است. بر پایه یافته‌های این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده، مباحث مطرح در مقاله کلبرگ نسبت به موضوع آن جامعیت و مانعیت ندارد؛ به این معنا که بسیاری از مباحث مرتبط با رابطه امام و جامعه شیعه مورد اشاره قرار نگرفته‌اند و در عوض مطالب نامرتب بسیاری به تفصیل به بحث گذاشته شده است. کلبرگ در برخی موارد، رویکردی گزینشی در انتخاب روایات و استدلال‌ها داشته و به‌رغم ادعای اولیه خود مبنی بر ارائه تصویر شیعه از خود، نتایج حاصل از تحقیق کلبرگ در موارد متعددی با فهم رایج شیعه مغایرت دارد.

کلیدواژه‌ها: علم امام، منابع علم امام، افزایش علم امام، اصحاب امام، رابطه امام و شیعیان، اتان کلبرگ.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۱۳.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام دانشگاه قم، ایران. (نویسنده مسئول).

m.shafiei@stu.qom.ac.ir

۲. استادیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. mhmozaffar@gmail.com

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی-پژوهشی
امامت پژوهی، سال سیزدهم
شماره دوم، شماره پیاپی ۳۴
پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صفحه ۶۹ - ۱۰۱

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2026.492357.1639



copyright© the authors

مقدمه

دوران پیش از غیبت، به عنوان دوره حضور امام، یکی از مباحث بنیادین در شیعه‌شناسی است و در اصالت تاریخی باورهای شیعه نقش اساسی دارد. شناخت دقیق رابطه امام و شیعه در دوره پیش از غیبت، به فهم بهتر تاریخ شیعه، باورها و عمل شیعیان و همچنین جایگاه امام در اندیشه شیعی، کمک شایانی می‌کند. اتان کلبی، محقق برجسته در حوزه شیعه‌شناسی^۱، در یکی از مقالات خود تحت عنوان: «Imam and Community in the Pre-Ghayba Period» (امام و جامعه در دوره پیش از غیبت)^۲ به بررسی دقیق این موضوع پرداخته است. کلبی در این مقاله از یک سو به بررسی جایگاه امام در جامعه شیعه پرداخته و از سوی دیگر نقش بزرگان امامیه، به خصوص در دوره‌هایی که ائمه علیهم‌السلام کمتر در دسترس بوده‌اند، مورد توجه قرار داده است.

با وجود تلاش‌های قابل تقدیری، بسیاری از آثار علمی کلبی -از جمله مقاله مورد نظر- تاکنون به جامعه علمی ما منتقل نشده است. مهمترین کتبی که در فضای علمی ما به آثار اتان کلبی پرداخته‌اند عبارت‌اند از:

جایگاه صحابه در مذهب امامیه از دیدگاه اتان کلبی: تحلیل و نقد^۳

این کتاب به ترجمه و نقد مقاله «برخی نظریات شیعه درباره صحابه» از اتان کلبی پرداخته است. همان‌طور که از عنوان پیداست و با مطالعه اثر روشن‌تر می‌شود، این

jep.emamat.ir

۷۰

۱. نظرهای اتان کلبی در فضای آکادمیک بین‌المللی بسیار مورد توجه است و وی به عنوان یکی از برجسته‌ترین شیعه‌شناسان غربی شناخته می‌شود. برای آشنایی با این دانشمند و آثار وی رجوع شود به: مطهری، سید مصطفی، اتان کلبی و حدیث امامیه، ص ۴۳-۹۵.

۲. در سال ۲۰۲۰ از کلبی کتابی تحت عنوان «In Praise of the few, studies in Shi'i thought and history» (اندر ستایش اقلیت: پژوهش‌هایی در اندیشه و تاریخ شیعه) منتشر شد که در واقع برگزیده‌ای از پژوهش‌های اتان کلبی درباره اسلام شیعی در طول پنجاه سال است. این کتاب شامل مقالات منتشر شده قبلی کلبی، فصول بازنگری شده از رساله دکتری و فهرست کاملی از آثار او است. از جمله مقالات منتشر شده در این کتاب، مقاله‌ای است تحت عنوان: «Imam and Community in the Pre-Ghayba Period» که به اظهار کلبی در سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۸۵، زمانی که وی عضو مؤسسه مطالعات پیشرفته در دانشگاه عبری اورشلیم بوده، نوشته شده است.

۳. موسوی مقدم، سید محمد؛ و استاد علی، مهشید، جایگاه صحابه در مذهب امامیه از دیدگاه اتان کلبی: تحلیل و نقد.

کتاب با تحقیق پیش رو هیچ گونه هم پوشانی ندارد. لازم به توجه است که از اصطلاح صحابه در این مقاله - و بالتبع کتاب مورد بحث -، اصحاب ائمه علیهم السلام منظور نیست. اتان کلبرگ و حدیث امامیه^۱

در این کتاب که ابتدا در قالب رساله سطح ۴ ارائه شده است، پس از معرفی و توصیف آثار کلبرگ، مجموع آثار پر شمار او نه به صورت تک به تک، بلکه به طور کلی از جهت روش شناسی و محتوایی مورد تحلیل قرار گرفته است. در قیاس با اثر پیش رو که صرفاً مقاله خاصی از کلبرگ را مد نظر قرار داده، باتوجه به گستره آثار کلبرگ، بین این دو تحقیق هم پوشانی بسیار کمی وجود دارد؛ به عنوان نمونه در این کتاب موضوع عامی مانند علم امام، اساساً مورد بحث قرار نگرفته است.

همچنین باتوجه به جایگاه اتان کلبرگ در شیعه پژوهی غربی، در فضای علمی ما مقالات مختلفی به موضوعیت آثار او به رشته تحریر درآمده اند؛ مقالاتی مانند:

نقدی روایی کلامی بر دیدگاه اتان کلبرگ در موضوع تقیه از منظر شیعه امامیه،^۲
بازخوانی و نقد دیدگاه های کلبرگ و مدرسی طباطبایی درباره پیدایش تشیع دوازده امامی،^۳

ارزیابی و نقد دیدگاه اتان کلبرگ در یکسان انگاری فرقه های اثنا عشریه و حریه،^۴
از امامیه تا اثنا عشریه،^۵

نقد دیدگاه اتان کلبرگ در تحلیل مفهومی و پیشینه شناسی اصطلاح «رافضه»،^۶

۱. مطهری، سید مصطفی، اتان کلبرگ و حدیث امامیه.

۲. معارف، مجید و طباطبایی نژاد، سید سجاد و میرحسینی، یحیی، «نقدی روایی کلامی بر دیدگاه اتان کلبرگ در موضوع «تقیه از منظر شیعه امامیه»»، علوم حدیث، ۱۵۵/۶۹-۱۸۰.

۳. منتظری مقدم، حامد، «بازخوانی و نقد دیدگاه های کلبرگ و مدرسی طباطبایی درباره پیدایش تشیع دوازده امامی»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ۱۰۳/۴۸-۱۲۴.

۴. نجفی، محمدعلی و آرام، محمدرضا، «ارزیابی و نقد دیدگاه اتان کلبرگ در یکسان انگاری فرقه های اثنا عشریه و حریه»، پژوهش دینی، ۲۵۹/۴۱-۲۷۸.

۵. الیوری، محسن، «از امامیه تا اثنا عشریه»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۲/ ۲۰-۲۲.

۶. احمدیان دلاویز، حسن و اسماعیلی، معصومه، «نقد دیدگاه اتان کلبرگ در تحلیل مفهومی و پیشینه شناسی اصطلاح «رافضه»»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ۷۷/۴۹-۲۲.

نقد نظر اتان کلبِرج در تحریف قرآن^۱

همان‌طور که از عناوین این مقالات پیداست، هیچ‌یک از این آثار ارزشمند با موضوع تحقیق پیش‌رو مرتبط نیستند؛ با این وجود نویسنده با مطالعه این آثار، از یک سو با رویکرد کلی کلبِرج آشنا شده و از سوی دیگر، ایده‌هایی برای ارزیابی مقاله مورد بحث به دست آورده است.

تحقیق پیش‌رو از نوع پژوهش‌های بنیادی است که مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای، به روش توصیفی مبتنی بر بررسی مقایسه‌ای و تحلیلی نگاشته می‌شود. سؤال اصلی تحقیق این است که تلقی اتان کلبِرج در مقاله «امام و جامعه در دوران پیش از غیبت» از امام و جامعه شیعه در دوران پیش از غیبت چیست و چه نقدهایی را می‌توان بر آن وارد دانست؟ این تحقیق با هدف ارزیابی انتقادی مقاله اتان کلبِرج پیرامون رابطه امام و شیعیان در دوران پیش از غیبت انجام می‌شود. مباحث مقاله پیش‌رو عمدتاً به ترتیب مباحث ارائه شده در مقاله کلبِرج تنظیم شده است؛ بدین نحو که در سیر مطالب ارائه شده توسط کلبِرج، مطالب چالش برانگیز مورد تحلیل قرار می‌گیرند. فرضیه محوری پژوهش این است که تلقی اتان کلبِرج از رابطه امام و جامعه شیعه در دوران پیش از غیبت با تلقی دانشمندان شیعه سازگاری نسبی دارد. با رویکرد درون شیعی رایج، اگرچه بخش قابل توجهی از شواهد و تفاسیر ارائه شده توسط کلبِرج صحیح و حتی گاهی چشمگیر به نظر می‌رسند؛ اما تعدادی از این شواهد و برداشت‌ها با تلقی شیعه ناسازگار هستند.

تحلیل مقاله امام و جامعه در دوره پیش از غیبت به زبان فارسی، لااقل از باب تضارب آرا به گسترش دانش و فهم ما از رابطه پیچیده امام و شیعیان در دوره پیش از غیبت کمک می‌کند. همچنان‌که اندیشه‌های یک محقق غربی در این حوزه به جامعه علمی ایران معرفی شده و زمینه برای مقایسه و نقدهای بعدی آن فراهم می‌شود تا در نهایت بتوان با ترجمه معکوس، زمینه درک صحیح شیعه‌پژوهان غربی از تشیع - به‌ویژه به قرائت خود شیعه - را فراهم ساخت.

۱. رضایی هفتاد، حسن و سروی، فاطمه، «نقد نظر اتان کلبِرج در تحریف قرآن»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۷۳/۴۶-۸۷.

ثمره و ماهیت تحقیق

کلبرگ در همان جملات مقدماتی مقاله خود ادامه می‌دهد: «علی‌رغم این محدودیت‌ها، نکات آموزنده زیادی در تصویر جامعه امامیه از خود، پیرامون روش مواجهه با امام وجود دارد.»^۱

از سویی با بررسی مقاله روشن می‌شود که وی در مواردی به جای ارائه تصویر امامیه از خود، با ارائه فرضیات و تحلیل‌هایی، به نوعی باورهای امامیه را به چالش کشیده است؛ بنابراین محتوای مقاله در موارد متعددی، آن‌گونه که کلبرگ ادعا می‌کند، ارائه «تصویر جامعه امامیه از خود پیرامون روش مواجهه با امام»^۲ نبوده، بلکه نوعی بازخوانی انتقادی تلقی می‌شود.

به عنوان نمونه، کلبرگ برخلاف تفسیر علمای امامی از منابع روایی بیان می‌کند که ائمه علیهم‌السلام به ناچار با استقلال نظر اصحاب کنار می‌آمده‌اند و در این زمینه عتاب‌هایی به اصحاب معروف مثل زرارہ نقل شده است؛ نسل‌های بعدی علمای امامیه که از اعتراف به عتاب سلف خود توسط ائمه علیهم‌السلام اکراه داشتند، تلاش کرده‌اند این قبیل عتاب‌ها را به عنوان تقیه تفسیر کنند.^۳

jep.emamat.ir

اختلال در تقسیم مباحث

کلبرگ در مقاله خود اظهار داشته: «جایگاه منحصر به فرد امام اساساً بر دو عامل استوار است: اول اینکه امام به عنوان جانشین منصوب الهی برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تلقی می‌شود؛ دوم، او دارای ویژگی‌های اختصاصی است که به خاطر آنها شایسته رهبری بلامنازع همه مؤمنان است.»^۴

و سپس به شکل مفصل به بیان ویژگی علم پرداخته است. یادآوری می‌شود که کلبرگ در مقدمه مقاله خود گفته بود در این تحقیق بر تصویر خود امامیه از رابطه امام و جامعه شیعی پیش از غیبت تأکید خواهد شد؛ به رغم مقدمه مقاله، نگارنده

۱. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 187.

۲. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 187.

۳. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 202-203.

۴. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 187.

عملاً قسم اول را وانهاد و هیچ توضیحی ارائه نکرده که امامیه به لحاظ نصب الهی چه شئونی برای امام قائل است؟

باتوجه به اهمیت ملاحظه امام به مثابه منصوب الهی برای توصیف موقعیت او میان جامعه شیعی - دست کم در نگاه درون مذهبی -، شایسته بود این بُعد از مقام امامت نیز مورد تحلیل قرار می گرفت. امامیه برخلاف اهل سنت معتقد است که تقریباً همه اهدافی که منجر به ارسال رسل و انزال وحی از طرف خداوند شده، به نوعی دیگر در حضور امام دنبال می شود؛ از این رو اکثر وظایف و شئونی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان حیاتشان به عهده داشت در زمان ممات و غیابشان در جامعه اسلامی، به امامان معصوم علیهم السلام منتقل و واگذار می شود. مواردی از قبیل تفسیر و تبیین وحی الهی، توضیح احکام موضوعات جدید در حوزه احکام فردی و اجتماعی، پاسخ گویی به شبهات مخالفان، جلوگیری از وقوع تحریف و بدعت، داوری در اختلافات و اجرای حدود و حکومت داری.^۱

از سویی، در مقاله مورد بحث صرفاً به ویژگی علم امام اشاره شده است؛ درحالی که در رابطه با چیستی صفات ائمه علیهم السلام و نحوه دسته بندی آنها تقسیم های متنوعی وجود دارد و برخی از صفات امام که بر رابطه عاطفی، سیاسی، مرجعیت دینی و ... امام با شیعیان مؤثر تلقی می شوند، به شکل کلی یا جزئی در مقاله مغفول مانده است.^۲ شیعیان با امام خود روابط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، عاطفی و معنوی داشته اند و از جمله صفات امام که بر رابطه او با جامعه شیعه مؤثر تلقی می شوند می توان به مواردی از قبیل عصمت، زعامت عامه، حجت الهی، فضیلت، مرشدیت معنوی، شجاعت، بردباری، خیرخواهی، تواضع، مهربانی، عدالت، تقوا، زهد، نظافت، ایمان،

۱. ر. ک: جمعی از نویسندگان، انسان، راه و راهنماشناسی، ص ۱۹۱-۱۹۲؛ سبجانی، جعفر، محاضرات فی الإلهیات، ص ۵۲۴.

۲. برای آشنایی بیشتر با انواع مناسبات بین شیعیان و امام ر. ک: منتظری مقدم، حامد و احمدی، سید آیت الله، «مناسبات اجتماعی شیعیان عصر حضور در تعامل با امامان معصوم علیهم السلام»، شیعه شناسی، ۵۰-۷۱/۱۰۲؛ حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۴۲-۳۴۳.

پارسایی، وفا، صدق، تنزه از رذائل اخلاقی و... اشاره کرد.^۱

براساس این توضیحات، کلبرگ در مقاله خود تنها به صفت علم امام پرداخته و بدین لحاظ، امام را تک بعدی مورد بررسی قرار داده است. گفتنی است حتی درخصوص صفت علم، باوجود اینکه حدود یک سوم حجم مقاله به علم امام اختصاص یافته، با مطالعه بخش‌های مختلف مقاله می‌توان مدعی شد مقصود نگارنده از صفت علم درواقع تصویری است که اهل بیت علیهم‌السلام از خویش به عنوان عالم ارائه می‌دهند و به نوعی به جای ارائه شواهد بر اثبات وجود علم، ادعای علم توسط ائمه علیهم‌السلام مطرح شده و در ضمن آن به مطالبی از قبیل چالش‌های اعتقادی ناشی از باور به علم امام و بررسی انتقادی پاسخ‌های علمای امامی به این چالش‌ها، انحصارطلبی ایشان - با بستن باب سؤال - پرداخته شده است.^۲ این در حالی است که شواهد درون و برون مذهبی زیادی بر اثبات علم امام ارائه شده و حتی بسیاری از اهل تسنن به ویژگی علم برخی از ائمه علیهم‌السلام تصریح می‌کنند.

نعمان بن ثابت بن زوطی معروف به ابوحنیفه (۸۰-۱۵۰ق)، پیشوای فرقه حنفی که از نظر زمانی معاصر با امام صادق علیه‌السلام بوده، درباره عظمت علمی امام صادق علیه‌السلام چنین گفته است: «من فقیه‌تر و داناتر از جعفر بن محمد علیه‌السلام ندیده‌ام؛ او داناترین فرد این امت است».^۳

شهاب‌الدین ابوالفضل احمد بن علی مصری شافعی، مشهور به «ابن حجر عسقلانی»

۱. ر.ک: فاریاب، محمدحسین، معنا و چیستی امامت در قرآن سنت و آثار متکلمان، ص ۱۱۰-۱۲۳؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب، ۱/۲۵۳؛ حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۴۲-۳۴۳.

۲. ر.ک: Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 187-195.

نسبت به مورد اخیر، نگارنده در اواخر مقاله این تصویر از علم امام را باور اصیل شیعه نخستین معرفی می‌کند که بعدها در تطور تاریخی شیعیان، دگرگون شده است. وی همچنین تصریح می‌کند شاگرد ایده آل ائمه علیهم‌السلام کسی بوده که نظریات امام را بی چون و چرا می‌پذیرفت و به دیگران منتقل می‌کرد؛ استدلال مستقل توسط اصحاب محکوم می‌شد و روایات متعدد مشتمل بر نهی از قیاس و اجتهاد در همین راستا تعریف می‌شوند.

۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ الكبير، ۱۹۸/۲-۱۹۹.

(۷۷۳-۸۵۲ ه.ق) درباره امام صادق علیه السلام می‌گوید: «جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام فقیهی است بسیار راست گفتار.» وی همچنین از ابوحاتم نقل می‌کند که پدر ابوحاتم درباره امام صادق علیه السلام بیان داشته: «درباره مانند او سؤال نمی‌شود.»^۱

شهاب‌الدین ابوالعباس، احمد بن بدرالدین شافعی، معروف به ابن حجر هیتمی (۹۰۹-۹۴۷ ق) درباره امام صادق علیه السلام می‌نویسد:

مردم از او دانش‌های بسیاری فراگرفته‌اند. این علوم توسط مسافران به همه جا راه یافت و سرانجام آوازه جعفر بن محمد علیه السلام در همه جا پیچیده. عالمان بزرگی مانند یحیی بن سعید، ابن جریج، مالک، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، ابوحنیفه، شعبه و ایوب سجستانی از او حدیث نقل کرده‌اند.^۲

از نگاه شیعه، مقام امامت همچنین اختیاراتی برای دارنده این مقام مانند توانایی ولایت‌تکوینی^۳ و وظایفی برای سایرین مانند لزوم معرفت امام، وجوب اطاعت از امام و تسلیم در برابر او، حب امام و بغض دشمنان او، حجیت الهی امام برای مردم، پرداخت وجوهات شرعی به امام، رجوع به محکمه مورد تأیید امام و...^۴ به همراه دارد که در بررسی رابطه امام و جامعه تأثیرگذار تلقی می‌شوند.

مباحث قابل طرح ذیل صفت علم امام

اتان کلبرگ در رابطه با مباحثی که باید ذیل صفت علم امام مطرح شوند می‌نویسد: «برای تثبیت جایگاه بی‌بدیل ائمه علیهم السلام به عنوان صاحبان علم، در متون امامی دو

۱. لا یُسأل عن مثله (ر.ک: عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، ۱۰۴/۲).

۲. هیتمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة فی الرد علی أهل البدع والزندقه، ص ۲۰۱.

۳. ولایت‌تکوینی دارای معانی گوناگون است و برخی از این معانی بین شیعیان محل اختلاف قرار گرفته است (ر.ک: سبحانی، جعفر، ولایت‌تکوینی و تشریعی از دیدگاه علم و فلسفه، ص ۲۶).

۴. ر.ک: جواهری، محمدرضا، «دیدگاه امام رضا علیه السلام درباره حقوق اهل بیت و وظایف مردم در قبال امامان»، فرهنگ رضوی، ۶۳/۱-۸۲.

موضوع عمده مطرح شده است: منابع علم امام و ماهیت و دامنه این علم.^۱ این کلام از دو جهت بحث برانگیز است:

الف) با بررسی آنچه در مقاله کلبِریک تحت عنوان «ماهیت و گستره علم امام»^۲ مطرح شده، روشن می‌شود ماهیت این علم مورد بررسی قرار نگرفته است؛ از این رو سزاوار بود بحث دوم خصوص گستره علم امام نامیده شود. این اشکال همچنین در صدر بحث از بررسی گستره علم امام قابل تکرار است؛ زیرا در آن قسمت نیز از ترکیب عطفی «ماهیت و گستره علم امام» استفاده شده است.^۳

ب) کلبِریک بدون ارجاع‌دهی مدعی شده که در منابع امامیه، مباحث پیرامون علم امام ذیل دو محور منابع و گستره علم امام برجسته شده‌اند.

در رابطه با تأکید بر این دو محور، از یک سو با مراجعه به متون امامیه می‌توان دریافت که مباحث مهم دیگری مورد بحث قرار می‌گیرد؛ مباحثی از قبیل اثبات ضرورت علم برای امام و ماهیت علم امام مانند بحث ارادی بودن علم امام و یا بحث حضوری یا حصولی بودن این علم؛^۴ از سوی دیگر، ارتباط این بحث با موضوع مقاله روشن نیست و صرف اینکه در منابع امامی بر این دو جنبه از علم امام تأکید شده است، توجیه خوبی برای انضمام این مباحث به تحقیق به شمار نمی‌رود.

منابع علم امام

درخصوص تقسیم مطرح شده پیرامون راه‌های کسب علم برای امام، در روایات امامیه درباره راه‌های کسب علم توسط امام راه‌های گوناگونی بیان شده است و در تفسیر برخی از این راه‌های کسب علم بین دانشمندان امامی اختلاف نظر وجود دارد.^۵ برای دسته‌بندی این راه‌ها، تقسیم‌های مختلفی قابل طرح است و کلبِریک بدون ارجاع‌دهی،

۱. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 188.

۲. nature and scope of the Imam's knowledge.

۳. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 189.

۴. ر.ک: برغانی، محمد تقی، مجموعه مقالات علم امام، ص ۱۳۴-۱۵۶.

۵. ر.ک: سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم، «بررسی منابع علم امام علیه السلام از منظر روایات»، فصلنامه کلام اسلامی، ۸۷/۱۰۵-۱۱۴.

طبقه‌بندی متشکل از چهار قسم را پیشنهاد می‌کند که یکی از اقسام آن عبارت است از «انتقال از امام قبلی»^۱. نگارنده توضیح نداده منظور از این انتقال چیست که از طرفی این قسم مشمول اقسام دوم و سوم علم آموزی - علم موروثی و علم به دست آمده از کتاب‌هایی که فقط ائمه علیهم‌السلام مضمون آنها را می‌دانند به شمار نمی‌رود و از طرف دیگر، آن‌طور که کلبرگ می‌گوید، برای انسان‌های عادی مقدور نیست.

پس از ارائه این تقسیم، مصنف مناسب دیده از آخرین روش کسب علم، یعنی علم از طریق تماس مستقیم با یک فرستاده الهی - با تأکید بر چیستی ماهیت این فرستاده - را به بحث بگذارد. روشن نیست این بحث چگونه به محور اصلی مقاله، یعنی بررسی رابطه امام و جامعه شیعه در دوران پیش از غیبت، ارتباط پیدا می‌کند و بدین لحاظ، مطلبی استطرادی محسوب می‌شود. به هر حال تتبع این شیعه‌پژوه در منابع متعدد امامیه در گردآوری مطالب پیرامون ماهیت شناسی فرستاده علم‌آور الهی برای امام ستودنی تلقی می‌شود.

گستره علم امام

پس از مباحث پیش‌گفته، نگارنده به بیان دامنه علم امام پرداخته و اقوال مختلف امامیه پیرامون این مسئله ذکر کرده است،^۲ تقسیم مطرح شده در مقاله کلبرگ محل نزاع و چیستی اقوال مختلف را به خوبی پوشش نمی‌دهد و سزاوار است نظریات دانشمندان شیعی درباره علم امام در قالب دیگری دسته‌بندی شوند.^۳

اعلمیت ائمه علیهم‌السلام نسبت به انبیاء

در ادامه مباحث پیشین، کلبرگ با ارائه استدلالی نتیجه می‌گیرد که در نظر شیعه، ائمه علیهم‌السلام اعلم از انبیاء هستند؛ پیش از بررسی استدلال ارائه شده باید گفت در شرایطی که بحث صفت علم امام بخش قابل توجهی از مقاله را به خود اختصاص

۱. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 189.

۲. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 189.

۳. برای دسته‌بندی اقوال پیرامون حیطه علم امام تقسیم‌های مختلفی عرضه شده است؛ به عنوان نمونه ر.ک: اسماعیلی، معصومه، «قلمرو و ویژگی‌های علم امام در اندیشه کلامی مرحوم کراچکی»، معرفت، ۲۸۲/۳۲.

داده، پردازش بیشتر فروع این صفت با حجم مقاله تناسب ندارد. با تأمل در سیر مقاله روشن می‌شود که طرح این قیاس بین علم ائمه علیهم‌السلام و علم انبیاء علیهم‌السلام مقدمه‌ای است برای طرح چالشی در نظام فکری شیعه، به شرح تنافی بین آموزه افزایش علم امام و اعلم نبودن او نسبت به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه پیشین که با موضوع مقاله ارتباط مستقیمی ندارد. به هر تقدیر کلبه‌گر با ارائه یک استدلال تلاش کرده اعلمیت ائمه علیهم‌السلام بر انبیاء را استنتاج کند؛ صورت قیاسی این استدلال را می‌توان بدین شکل تحلیل کرد: صغری: ائمه علیهم‌السلام در نظر شیعه افضل از انبیاء (به جز پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هستند. کبری: افضلیت عمدتاً بر حسب برخورداری از علم تعریف می‌شود. نتیجه: پس ائمه علیهم‌السلام در نظر شیعه اعلم از انبیاء هستند.

این شیعه‌پژوه برای استدلال مذکور منبعی ذکر نمی‌کند؛ به هر حال به لحاظ صحت سنجی، این استدلال از چند جهت قابل تأمل است. پیش از بیان این جهات باید توجه شود هدف از نقد این استدلال انکار نتیجه آن نیست، بلکه صرفاً فرآیند استنتاج و دلیل اقامه شده مورد دقت قرار می‌گیرد. ابهاماتی که ذیل این استدلال باید پاسخ گرفته شوند از این قرار هستند:

۱. برای کبری منبعی ذکر نشده است.

۲. نسبت به کبری باید گفت هرچند اعلمیت یکی از وجوه افضلیت است؛ اما اینکه رکن اصلی افضلیت را اعلمیت بدانیم نیازمند اثبات است، به ویژه در صورت اعلمیت به حسب دانش غیر دینی؛ می‌توان در مقایسه دو نبی به لحاظ افضلیت فرض کرد که مثلاً هر دو نبی از حد غایی دانش مربوط به شریعت برخوردار هستند؛ اما یکی در زمینه فنون و مشاغل اعلم از دیگری باشد و بدین جهت مجموعاً اعلم از دیگری به شمار رود.

در چنین فرضی نمی‌توان به طور کلی مدعی شد نبی اعلم همچنین من حیث المجموع افضل محسوب می‌شود، هرچند نبی دیگر عابدتر، مدبرتر، زیرک‌تر و ... از نبی اعلم باشد، هرچند همین مقدار از اعلمیت در فنون و مشاغل برای صدق افضلیت در خصوص دانش مازاد نه از جمیع جهات کفایت می‌کند. حاصل آنکه روشن نیست معیار اصلی تحقق افضلیت برخورداری از دانش تعریف شود.

۳. نسبت به استنتاج از دو مقدمه، با فرض صحت و کلیت کبری، این مقدمه صرفاً بیان می‌کند که معیار عمدهٔ فضیلت دانش است، نه معیار انحصاری آن؛ در نتیجه ممکن است دو نفر از حیث معیار اصلی - در محل فرض علم - با یکدیگر برابر باشند؛ اما یکی به خاطر برخورداری از حد اعلای یک صفت فرعی - مثل عبادت و سیاست، بر فرض که کمتر از علم محسوب می‌شوند - در نهایت افضل از دیگری به شمار رود.

حاصل آنکه باتوجه به اشکالات ذکر شده، استدلال مورد بحث قابلیت اثبات این مطلوب که ائمه علیهم‌السلام در نظر شیعه اعلم از انبیاء هستند را ندارد. اگر این استدلال از منابع شیعی نقل شده باشد می‌توان در دفاع از نگارندهٔ استدلال بیان داشت که وی درصدد بازنمایی تصویر شیعه از خود بوده است، نه اینکه از دریچهٔ این استدلال به اثبات نتیجه پرداخته باشد؛ این در حالی است که نگارنده منبعی برای این استدلال بیان نکرده است.

یکسان بودن علم ائمه علیهم‌السلام و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

اتان کلبرگ پس از بیان استدلال مورد بحث اضافه می‌کند: «این اعتقاد که [حضرت] محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام از حجیت یکسانی برخوردارند، بر این فرض استوار است که آنها نیز دارای علم یکسان هستند»^۱

وی برای این مطلب نیز منبعی ذکر نمی‌کند و به نظر می‌رسد در عبارت مذکور برداشت خود از گفتمان امامیه را به تصویر کشیده است.

به هر حال فارغ از این پرسش که آیا تعدادی از دانشمندان امامیه چنین برداشتی را اظهار داشته‌اند یا خیر، مطلب ذکر شده به لحاظ منطقی قابل صحت‌سنجی است و با تحلیل این جمله به چندین گزارهٔ مستقل، صحت این گزاره‌ها و ارتباط منطقی آنها قضاوت پذیرتر تلقی می‌شود. این گزاره‌ها عبارت‌اند از:

الف) پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام از حجیت یکسانی برخوردارند.

ب) پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام از علم یکسانی برخوردارند.

۱. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 190.

ج) اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام از حجیت یکسانی برخوردارند بر این فرض استوار است که آنها به یک مقدار از علم بهره‌مند هستند.

از میان این گزاره‌ها، گزاره «ج» نیازمند اثبات است؛ اگر این ادعا که همسنگی در حجیت، ملازم با همسانی در برخورداری از دانش است صحیح باشد، علم همه انبیاء و ائمه علیهم السلام برابر تلقی می‌شد؛ زیرا امامیه به لحاظ حجیت تفاوتی بین انبیاء علیهم السلام و ائمه علیهم السلام قائل نیست. اساساً حجیت امری بسیط، غیر تشکیکی، بدون حد میانه و دائرمدار وجود و عدم است؛ در نظر امامیه، کلام همه انبیاء علیهم السلام و ائمه علیهم السلام مطلقاً حجت است و این طور نیست که کلام برخی حجت‌تر از دیگری باشد.

افزایش دانش انبیاء علیهم السلام و ائمه علیهم السلام

کلبرگ پس از بیان مطالب گذشته ادامه می‌دهد: «یک باور مرتبط این است که میزان دانش انبیا افزایش یافته ... برخلاف وضعیت حاکم در عصر نبوت، نظر اکثریت امامیه بر این است که در میزان علم هر امام تفاوتی وجود ندارد.^۱ روشن نیست طرح این مطلب چه ارتباطی با موضوع مقاله داشته است؟ چگونه بررسی افزایشی بودن یا نبودن علم امام می‌تواند به فهم جایگاه او در جامعه شیعی پیش از غیبت کمک کند؟ با این وجود کلبرگ علاوه بر طرح اصل بحث، به شکل مفصل به لوازم چالش برانگیز باور به تکاملی بودن دانش امام و راهکارهای دانشمندان امامی نیز پرداخته است.

وسیله کسب علم

کلبرگ در ادامه مقاله خود بحثی پیرامون وسیله کسب علم آغاز می‌کند و هدف از ارائه بحث را این گونه بیان می‌کند: «تا نشان دهیم روایاتی که به افزایش علم اشاره می‌کنند با عقیده برابری علم ائمه علیهم السلام مغایرت ندارد.^۲ همان طور که پیشتر اشاره شد، اصل طرح این چالش ارتباطی با موضوع مقاله پیدا نمی‌کند تا برای حل آن به طرح بحث جدیدی پیرامون وسیله کسب علم امام نیاز باشد.

۱. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 190-191.

۲. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 193.

صرف نظر از عدم ضرورت طرح اصل چالش، پاسخ به آن نیازمند جزئیات ارائه شده در بحث وسیله کسب علم امام نیست و نگارنده می‌توانست مستقیماً به بیان پاسخ اقدام کند که ائمه علیهم‌السلام پس از مرگ جسمانی نابود نمی‌شوند و دانش اضافی ابتدا به ائمه پیشین اعطا می‌شود؛^۱ در نتیجه، امام اخیر با وجود کسب علم جدید حائز دانشی مازاد بر ائمه پیشین خود نخواهد بود؛ با این وجود کلبرگ درباره چیهستی این پیام‌آور الهی می‌نویسد: «پیام‌آور الهی که آن را حمل می‌کند فرشته (مَلِک) یا اسرارآمیزتر، «یک سوار» یا «سوار بر جانور» توصیف می‌شود.»^۲ و بدین گونه بر نقل مطالب فرامادی خارق‌العاده اصرار می‌ورزد و بر رازآلودی آن تأکید می‌کند. به‌طور کلی به نظر می‌رسد ارائه چهره فرقه‌گونه با مضامین اعتقادی خرافه‌گونه از اولویت‌های نگارنده به شمار می‌رفته، هرچند این مطالب ارتباط خاصی با محتوای مورد بررسی نداشته باشند.^۳

راهکار حل تناقض بین کسب دانش جدید و هم‌درجه بودن علم ائمه علیهم‌السلام
حاصل راهکار مورد اشاره در این قسمت از مقاله این است که باتوجه به اینکه ائمه علیهم‌السلام حتی پس از مرگ دارای نوعی حیات و علم هستند و طبق روایات دانش جدید ابتدا به ائمه پیشین عرضه می‌شود، امام حیّ با کسب دانش جدید، اعلم از سلف خود تلقی نمی‌شود. کلبرگ این راهکار را مبتنی بر دو آموزه شیعی تلقی می‌کند:
الف) ادامه حیات روحی ائمه علیهم‌السلام پس از مرگ جسمانی آنها؛
ب) آموزه بداء.

هرچند آموزه «الف» در پاسخ به چالش مورد بحث نقش اساسی ایفا می‌کند، اعتقاد یا عدم اعتقاد به بداء ارتباطی به این چالش ندارد؛ زیرا دانش امام متأخر از هر مقوله‌ای که باشد، به‌هرحال بیش از دانش ائمه پیشین نخواهد بود. از بین مباحث گذشته، چالشی که آموزه بداء در آن مفید تلقی می‌شود، جمع بین اطلاق علم ائمه علیهم‌السلام

۱. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 193.

۲. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 193.

۳. به عنوان نمونه ر.ک: Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 189. بحث منابع علم امام، بررسی ماهیت فرستاده الهی.

و کسب علم جدید بود، نه تنافی بین یکسان انگاری علم ائمه علیهم السلام و کسب دانش جدید توسط آنها. به اعتقاد نگارنده این سطور، کلبرگ بین این دو چالش به خوبی تفکیک نکرده است و به همین خاطر چنین خلطی به وجود آمده است.

نسبت امام با جامعه شیعه

کلبرگ مقاله خود را در سه قسمت کلی دسته‌بندی و شماره‌گذاری کرده و هرآنچه تاکنون مورد بحث قرار گرفت در قسمت اول این دسته‌بندی جای می‌گیرد. در قسمت دوم، کلبرگ تلاش می‌کند تا مبتنی بر داده‌های قسمت اول پیرامون ویژگی‌های امام، به شناخت جایگاه او میان جامعه - که براساس عنوان، محور اصلی مقاله تلقی می‌شود- دست پیدا کند. وی حلقه وصل این دو قسمت از مقاله خود را با این ادعا آغاز می‌کند:

جایگاه منحصر به فرد امام، مشکل پیچیده‌ای را در نسبت او با جامعه ایجاد می‌کند؛ از یک سو، باید فاصله زیاد بین رهبر معصوم و جامعه او حفظ شود و از سوی دیگر، دلایل آشکاری برای تمایل به تکریم جامعه شیعه با ارتقای آن به سطحی رفیع و تقریبی به سطح ائمه علیهم السلام وجود دارد.^۱

روشن نیست چرا کلبرگ از این مسئله به عنوان مشکلی پیچیده^۲ یاد می‌کند، درحالی‌که خود وی در ادامه، مبتنی بر تعبیر روایی و علمایی، نسبت میان امام و جامعه شیعه را تبیین کرده و برای این به اصطلاح مشکل، راهکار مناسب یافته است؛ به همین خاطر می‌توان این مورد را یکی دیگر از مواردی دانست که نگارنده سعی دارد بر چالشی بودن باورهای شیعه تأکید کند.

توصیف غیر واقع‌بینانه روایات از شیعه

نگارنده در ادامه برای اثبات این مضمون می‌نویسد: «درحالی‌که روایات بر تفاوت زیاد امام و شیعیان در برخورداری از علم تأکید می‌کنند، هر دو کاملاً متمایز از

۱. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 195.

۲. an intricate problem.

غیر شیعه توصیف می‌شوند.^۱ روایات متعددی نقل می‌کند که بر اتصاف شیعه به کمالات گوناگون دلالت دارند؛ صفاتی مثل زهد، تقوا، کمالات اخلاقی و... وی پس از نقل این مطلب بیان داشته: «باین حال، چنین تصویر یک دست و آرمانی از جامعه نمی‌توانست برای مدت طولانی حفظ شود، به‌ویژه زمانی که آشکار شد که همه شیعیان به این معیارهای عالی عمل نمی‌کنند.»^۲

براساس تحلیل کلبرگ، در ابتدا ائمه علیهم‌السلام به هدف جذب حمایت حداکثری طرفداران، با ارائه تصویری مطلوب از آنها، آنها را مورد تمجید قرار داده‌اند. پس از مدت کوتاهی معلوم شد که این تصویر، واقع‌بینانه نیست و معلوم شد که فقط بعضی از شیعیان به این معیارهای عالی عمل می‌کنند؛ از این رو نوعی تناقض در روایات شیعی پیرامون صفات شیعه به وجود آمده و علما تلاش کرده‌اند به آن پاسخ دهند. این ادعا که در دوره‌ای از امامت به تمجیدهای حداکثری از شیعه پرداخته شده و سپس کاستی‌های این تاکتیک به‌روز یافته، تحلیلی تاریخی محسوب می‌شود که شواهدی برای آن ارائه نشده است. از سویی در منابع امامی مشهود است که تمجیدهای عالی از مقام شیعه صرفاً در یک بازه خاص از تاریخ ائمه علیهم‌السلام اتفاق نیافتاده است؛ به‌عنوان نمونه رجوع شود به اوصافی که شیخ صدوق از ائمه متعدد پیرامون صفات شیعه در کتابی تحت عنوان صفات الشيعة نقل می‌کند؛ به‌عنوان نمونه حدیث چهاردهم از امام رضا علیه‌السلام، حدیث شانزدهم از امام باقر علیه‌السلام، حدیث هفدهم از امام صادق علیه‌السلام و حدیث بیستم از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده است؛ همه این احادیث از سنخی هستند که شامل بسیاری از مصادیق شیعه به اصطلاح فقهی نمی‌شوند.^۳ از طرفی، تفاوت شیعیان در اتصاف به صفات حسنه همواره وجود داشته و نیازی به گذر زمان نبوده تا این مطلب درک شود.

۱. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 197.

۲. Such a uniform and idealized picture of the community could not, however, be sustained for long, particularly once it became evident that not all Shi'is lived up to these lofty standards (Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 197).

۳. صدوق، محمد بن علی، صفات الشيعة، ص ۲۲-۲۸.

کلبرگ یکی از روش‌های غلبه بر این تنافی بین نظریه و واقعیت را تمایز میان شیعیان واقعی و سایر پیروان معرفی می‌کند و به این راهکار این چنین خرده می‌گیرد: «مشکل این راه حل این است که تعداد شیعیان واقعی را به حد غیرقابل قبولی کاهش می‌دهد.»^۱ کلبرگ بیان نکرده که چرا کم شماری شیعیان واقعی غیر قابل قبول است، به‌ویژه وقتی توجه شود هیچ کس قائل نشده عدم تخلق به صفات نیک اخلاقی باعث خروج از تشیع فقهی می‌شود؛ با این تفسیر، تقسیم شیعه به ظاهری و حقیقی صرفاً در مراتب معنوی است و در روابط این دنیایی، اثر الزام‌آور ویژه‌ای در پی ندارد.

تفاوت رتبه شیعیان

اتان کلبرگ در این قسمت از مقاله به بررسی رتبه‌بندی بین شیعیان می‌پردازد. وی بحث را با این عبارت آغاز می‌کند: «تفاوت بین شیعیان، اگر پذیرفته شد، محدود به حوزه اخلاقی نبوده، بلکه به دانش و درک آنها از سیره ائمه (علیهم‌السلام) نیز تعمیم می‌یابد.»^۲ وجه تعلیق تفاوت بین شیعیان در عبارت «اگر پذیرفته شد» روشن نیست و کلبرگ نه در این قسمت و نه در سایر قسمت‌های مقاله نسبت به تبیین و ارجاع‌دهی نظریه هم رتبه بودن همه شیعیان مطلبی بیان نکرده است.

jep.emamat.ir

مرجعیت علمی غیر امام در عصر حضور

کلبرگ معتقد است مرجعیت غیر امام در عصر حضور دو دوره مختلف را سپری کرده است؛ در دوره اول غیر امام هیچ‌گونه مرجعیتی نداشته، درحالی‌که در دوره بعدی شاهد نوعی مرجعیت برای غیر امام هستیم. واضح است که خود امامیه چنین دوگانگی را قبول ندارد؛ از سویی کلبرگ در پاسخ به این سؤال که آیا شاگردان امام دارای نوعی مرجعیت بوده‌اند، گفته: «پاسخ واحدی به این سؤال داده نشده است»^۳.

۱. The trouble with this solution is that it reduces the number of true Shi'is to an unacceptable level (Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 198).

۲. Differences between Shi'is, once admitted, were not restricted to the moral sphere, but extended also to their knowledge and understanding of the traditions of the Imams (Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 198).

۳. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P. ۱۹۹.

بدون اینکه بیان کند این پاسخ‌ها کدامند و پاسخ‌دهنده‌ها چه کسانی هستند؟ به هر تقدیر کلب‌برگ برای این ادعا شواهد پراکنده‌ای ارائه می‌کند که لازم است پس از تفکیک، مورد بررسی قرار گیرند:

محکومیت هرگونه استدلال مستقل اصحاب توسط ائمه علیهم‌السلام؛

روایات ذم اصحاب بنامی همچون زراره و مؤمن الطاق؛

انحصار مرجعیت حقوقی امام در عصر صادقین علیهم‌السلام و عدم انحصار در دوره‌های بعد؛ تمرکز مراکز جمعیتی در عصر صادقین علیهم‌السلام و تکرار این مراکز در دوره‌های بعدی. باتوجه به تفصیل بحث ذیل برخی از شواهد، در این قسمت از تحقیق، فقط مورد اول بررسی می‌شود و تحلیل سایر موارد به ترتیب مباحث ارائه شده در مقاله، ضمن عناوین مستقلی ارائه خواهد شد.^۱

در نگاه اندیشمندان ادیان ابراهیمی تعیین منزلت عقل در معرفت دینی از مباحث چالشی به شمار می‌رود و همواره نظریات مختلفی در این باره مطرح شده است.^۲ آنچه مسلم است، جمع‌بندی ارائه شده توسط کلب‌برگ از مجموعه شواهد روایی پیرامون رابطه عقل و دین با جمع‌بندی اکثر علمای شیعی تفاوت دارد.

در نظر بسیاری از دانشمندان شیعه، قضایای دینی از یک سنخ نیستند و می‌توان در یک تقسیم کلی آنها را به دو قسم عقل‌پذیر و عقل‌گریز تقسیم کرد. حالت سومی که شیعه وجود آن در دین را نفی می‌کند عبارت است از قضایای عقل‌ستیز و معتقد است امکان ندارد که دین حکمی مغایر با عقل قطعی صادر کرده باشد.^۳ با این نگاه، در تفسیر روایات نهی از اجتهاد و استدلال ضروری است بررسی شود که گزاره مورد نهی از کدام نوع بوده؟

جالب اینجاست که خود کلب‌برگ در جای دیگری از مقاله، از متون شیعی نقل می‌کند:

۱. از شواهد چهارگانه، مورد دوم تحت عنوان «مخالفت علمی برخی اصحاب معروف با ائمه علیهم‌السلام»، مورد سوم تحت عنوان «شیوه تعیین قاضی در عصر حضور» و مورد چهارم تحت عنوان «مراکز جمعیتی شیعیان در دوره‌های مختلف عصر حضور» بررسی خواهد شد.
۲. ر.ک. نور علی‌زاده، مسعود، «عقل‌گرایی حداکثری و معتدل در دین‌شناسی»، معرفت، ۴۲-۳۳/۷۸.

۳. خیراللهی، محمود، «جایگاه عقل در قلمرو دین»، معرفت، ۹۰-۷۳/۱۳۲.

... عوام شیعه ممکن است با علمای متقی یا شرور مواجه شوند و وظیفه

آنهاست که بین این دو فرق بگذارند. بنابراین تلقی این است که حتی از

افراد غیر روحانی نیز انتظار می رود که از استدلال و محاجه استفاده کنند.^۱

براساس این دست از متون، اصل استدلال و تفکر امری مطلوب بوده و نهی از آن در

قالب نهی از قیاس، به نوع خاصی از استدلال تعلق گرفته که به لحاظ منطقی نیز

مشکل دارد؛ زیرا به امور عقل گریز تعلق گرفته است.

حاصل آنکه باتوجه به ادله نقلی متعدد دال بر تفکر در قبال ادله نهی از استدلال

مستقل باید این طور جمع بندی کرد که در نظر ائمه علیهم السلام به کارگیری عقل به حسب

گزاره متعلق آن امری نسبی است، نه اینکه به طور کلی مدعی شد که در دوره امام

صادق علیه السلام از هرگونه استقلال فکری جلوگیری می شده است،^۲ یا اینکه هرگونه

استدلال مستقل توسط ائمه علیهم السلام محکوم می شده است.^۳

کلبرگ در اثبات ادعای خود دچار مغالطه تعمیم گرایی شده و از شواهد جزئی، به

صورت کلی نتیجه گیری می کند؛ به عنوان مثال وی از روایات نهی از قیاس، نهی از

مطلق استدلال را نتیجه گیری کرده است؛^۴ این در حالی است که اساساً استدلال به

قیاس اصلاً استدلال منطقی منتجی محسوب نمی شود و پذیرش این نوع استدلال

نیازمند پشتوانه تعبیدی است؛ بنابراین امام با نهی از قیاس در واقع بیان کرده که این

سنخ از استدلال ظنی فاقد پشتوانه تعبیدی است، نه اینکه نهی او به این معنی تلقی

شود که هرگونه استدلال عقلی توسط امام مردود اعلام شده است.

اشتباه دیگر کلبرگ در استنتاج از طریق این شواهد را می توان دچار شدن به نوعی اشتراک

لفظی و در نتیجه یک دست انگاری روایات مشتمل بر الفاظی خاص همچون قیاس

و اجتهاد دانست؛ به عنوان مثال وی با نادیده گرفتن گوناگونی معانی قیاس، این لفظ را بر

معنای جامع آن حمل کرده، از آن نتیجه می گیرد هر نوع استدلالی توسط ائمه علیهم السلام مردود

۱. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 211.

۲. ر.ک: Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 204-205.

۳. ر.ک: Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 200.

۴. ر.ک: Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 200.

اعلام شده است؛ درحالی که قیاس به معنای عام خود مشتمل بر مصادیق مختلفی است^۱ و در پذیرش برخی از آنها بین علمای شیعه اختلافی وجود ندارد. اساساً برخی انواع قیاس از مصادیق «أصالة الظهور» تلقی می‌شوند که بدون آنها حتی با خود معصوم تفاهم درستی برقرار نخواهد شد تا تعبد محض و عدم استفاده از استدلال میسر شود! به عنوان نمونه تنها با قیاس اولویت درک می‌شود که آیه «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»^۲ همچنین از کتک زدن پدر و مادر نیز نهی می‌کند.

به همین ترتیب در مورد «اجتهاد» باید گفت که شیعه آن را چیزی جز به کار گرفتن همه توان در به دست آوردن حجت بر حکم شرعی نمی‌داند؛^۳ اجتهاد به معنای انطباق اصول و قواعد کلی بر فروع، فهم اطلاقات و عمومات، تلاش برای یافتن مخصّص و مقید، تشخیص موضع لزوم احتیاط و مصداق آن و ... امری ضروری بوده و حتی کسی که کلام امام را می‌شنود، برای فهم و به کارگیری این کلام ناگزیر از اجتهاد به این معنا است؛ بنابراین نهی از این معنا از اجتهاد اصلاً معقول نیست، چه رسد به اینکه تصور کنیم صادقین (علیهم‌السلام) دهه‌ها تلاش کردند از آن نهی کنند، آن هم از طریق الفاظی که خود ناگزیر با اجتهاد فهمیده و تطبیق می‌شده‌اند! همچنان که نسبت عبارت «علینا إلقاء الأصول وعلیکم التفریع» به امام صادق (علیه‌السلام)، برخلاف نظر کلبِرگ،^۴ امری کاملاً معقول است و دوگانگی رویکرد امام و امامیه در دو دوره مورد نظر کلبِرگ نسبت به استدلال مستقل از امام ادعایی فاقد پشتوانه تلقی می‌شود.

مخالفت علمی برخی اصحاب معروف با ائمه (علیهم‌السلام)

نگارنده مدعی شده که برخی از شخصیت‌های شناخته‌شده شیعه برتری علمی امام در همه زمینه‌ها را نمی‌پذیرفته‌اند و در این خصوص از افرادی همچون هشام بن حکم،

۱. مواردی همچون قیاس اولویت، قیاس تنقیح مناط، قیاس مستنبط العلة، قیاس ظنی و قیاس قطعی (ر.ک: وسفی مقدم، محمدصادق، «ضرورت بازنگری درمبانی و روایات قیاس»، فقه، ۸۷/۵۷-۱۰۹).

۲. اسراء: ۲۳.

۳. «الاجتهاد هو استفراغ الوسع في تحصيل الحجّة علی الحكم الشرعی»: (مکارم شیرازی، ناصر، أنوار الأصول، ۵۹۸/۳).

۴. ر.ک: Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 204.

زراره بن اعین و مؤمن الطاق نام می‌برد. وی در همین راستا به صورت تک‌گزاره‌ای برخی از نقل‌هایی که به نحوی با مدعای خود مرتبط می‌داند را ذکر می‌کند.

ازجمله ادعاهایی که کلبرگ به عنوان سندی بر عدم تسلیم زراره در برابر امام وقت ارائه می‌کند این است که وی قائل به نوعی تفویض بوده که هرچند تا حدی توسط ائمه بعدی پذیرفته شد، ولی در زمان امام صادق علیه السلام و توسط ایشان به سختی رد می‌شده و بدعت به شمار می‌رفته است؛ به عبارتی از یک سو بین دیدگاه امام صادق علیه السلام و ائمه بعدی پیرامون جبر و اختیار اختلاف نظر بوده و از سوی دیگر زراره رسماً موضع امام را قبول نداشته است! باید توجه داشت که این ادعا در شرایطی مطرح می‌شود که در مقدمه مقاله مورد بحث، ادعای ارائه تصویر درون مذهبی از شیعه اظهار شده بود. به‌طور کلی در مورد شخصیت‌های نامبرده توسط کلبرگ مدح و ذم‌های مختلفی وارد شده و از این قرائن برداشت‌های متفاوتی توسط شیعه و اهل‌تسنن صورت گرفته که در تحقیقات مستقلی به‌طور مفصل بدان پرداخته شده، بیان آنها از ظرفیت تحقیق پیش رو خارج است؛^۱ با این وجود کلبرگ بدون ابراز تردید و با اشاره به نقل‌هایی معدود، مدعای مورد نظر خود را جازمانه نتیجه می‌گیرد و برای آن توجیهات روانشناسانه ارائه می‌کند!

وی معتقد است امام وقت از سر ناچاری این تفاوت عقاید را تحمل می‌کرده و اصحاب نام برده را مستحق طعن و سرزنش می‌دانسته است. به نظر کلبرگ مخالفت علمی اصحاب نامبرده امری واضح است، هرچند نسل‌های بعدی علمای امامیه از پذیرش این واقعیت امتناع ورزیده، تلاش کرده‌اند شواهد مربوطه را بر تقیه حمل کنند. کلبرگ برای ارائه یک نمونه از حمل بر تقیه، روایتی نقل می‌کند که منبع ارجاع‌دهی آن کتاب رجال کشی است؛ همان کتابی که پیشتر از آن برای اثبات مخالفت علمی هشام بن حکم با امام مورد استفاده قرار گرفته بود.^۲

۱. به عنوان نمونه ر.ک: ترابی قمشه‌ای، اکبر، «هشام بن حکم و اتهامات»، کلام اسلامی، ۵۶/۱۶-۶۶؛ پیروزفر، سهیلا و موسوی‌نیا، سعیده سادات، «بررسی روایات لعن زراره بن اعین» با توجه به جریان‌های کلامی امامیه، فصلنامه علمی علوم حدیث، ۱۱۷/۷۵-۱۳۲.

۲. ر.ک.: Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 199-204.

چگونه است که یک روایت از این منبع که مطابق ادعای کلبرگ است گزارشی صحیح و تاریخی محسوب می‌شود؛ اما روایت دیگر از همان منبع که دارای مفاد حمل بر تقيه است به عنوان تلاشی از نسل‌های بعدی علمای امامیه برای نوعی لاپوشانی واقعیت تلخ تلقی می‌گردد؟ به هر حال موضع امامیه در خصوص این ادعاها کاملاً روشن است و هیچ محقق منصفی نمی‌پذیرد همچون زرارای از یک سو عمر خود را مصروف انتقال وسواس‌گونه کلمات امام کند و از سوی دیگر با وجود علم به مغایرت نظر امام، مطلبی را به دین نسبت دهد! همچنان که اصل فضای تقيه در دوران مورد اشاره و به کارگیری مفصل آن توسط ائمه علیهم‌السلام امری غیر قابل انکار بوده، اثبات تقيه‌ای نبودن گزارش‌های مورد استناد کلبرگ نیازمند بحث مفصل‌تر و شواهد محکم‌تری است.

مراکز جمعیتی شیعیان در دوره‌های مختلف عصر حضور

نگارنده اظهار داشته:

کاهش تماس فیزیکی بین امام و پیروان، همزمان با رشد عددی و گسترش جغرافیایی تشیع امامیه اتفاق افتاد. برخلاف روزگار [امام] باقر و [امام] صادق علیهم‌السلام، تشیع دیگر به دو مرکز مدینه و کوفه منحصر نمی‌شد و در قرن سوم هجری (نهم میلادی) جوامع جدیدی مانند قم و بغداد به شهرت رسیدند.^۱

این در حالی است که خود او در پاورقی همین مطلب نقل می‌کند: «معروف است که شیعیان در اواسط قرن دوم هجری (هشتم میلادی) در قم سکونت داشته‌اند؛ مثل عیسی بن عبدالله قمی که [امام] جعفر صادق علیهم‌السلام او را با عنوان «یکی از اهل بیت» تکریم کرده است.»^۲

وی بیان نمی‌کند به چه دلیلی این گزارش معروف تاریخی را نپذیرفته است و علی‌رغم این شواهد مدعی شده که شیعه در زمان صادقین علیهم‌السلام صرفاً در کوفه و مدینه پرجمعیت زیست می‌کرده است؟؛ اهمیت مطلب از این جهت است که نگارنده در

۱. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 204.

۲. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 204.

گام بعد همین تکرار سکونت‌گاه در دوره پس از دوره صادقین (ع) را یکی از دلایل رشد رهبری‌های محلی با استقلال نسبی از امام وقت تلقی می‌کند.

اجازه تطبیق فروع بر اصول در زمان امام رضا (ع)

یکی از مصادیق برخورد گزینشی با روایات امامیه توسط کلبرگ را می‌توان در این قسمت از مقاله وی مشاهده کرد؛ جایی که او از یک طرف صحت انتساب روایت «علینا إلقاء الأصول وعلیکم التفریع» به امام رضا (ع) را می‌پذیرد، سپس بلافاصله روایاتی که مشابه این مضمون را به امام صادق (ع) نسبت می‌دهند را مردود اعلام می‌کند. کلبرگ در بیان وجه این نحوه تعامل با روایات تنها به این گفته اکتفا می‌کند که: «با توجه به نگرش‌های غیر منعطف زمان او نسبت به مسائل مربوط به اقتدار امام، تردید وجود دارد که او واقعاً چنین مطلبی را بیان کرده باشد».^۱

به ادعای کلبرگ شواهدی وجود دارد که رویکرد امام صادق (ع) نسبت به موضوع اقتدار امام غیر منعطف بوده، در نتیجه ایشان هیچ‌گاه برای هیچ مخاطبی چنین اجازه‌ای صادر نکرده است! رویکرد امامیه در یکسان‌انگاری رویه ائمه دوازده‌گانه (ع) نسبت به انگاره‌های اساسی مذهبی روشن است؛ اما حتی با پیش فرض باطل کلبرگ که ائمه (ع) انسان‌هایی عادی بوده‌اند با تمایلات و احساساتی عادی، چه وجهی وجود دارد که در یک مسئله غایت اطلاق به ایشان نسبت داده شود و هیچ استثنائی برتابیده نشود؟ چه استبعاد وجود دارد که یک انسان عادی برای افراد مختلف، به حسب شرایط مختلف، احکام متفاوتی صادر کند؟ و یا اینکه در دو دوره، دو نظر متفاوت را اظهار کند؟

فارغ از این مطلب، آیا در کل زمان صادقین (ع) همه شیعیان بر فرض سکونت همگی در مکه و مدینه به امام دسترسی کامل داشته‌اند تا حتی در مرحله تطبیق و تفریع دین پرمناسک اسلام همواره از ایشان پرسشگری کنند؟ آیا فاصله کوفه تا مدینه و اشتغال شبانه‌روزی انسان قرن هشتم میلادی برای بقا، فرصتی برای ارتباط مستمر علمی با امام باقی می‌گذاشته؟ به‌ویژه وقتی می‌دانیم امامین صادقین (ع) همچنین بخشی از زمان

خود را به کار، خانواده و نیایش اختصاص می‌داده‌اند. به نظر می‌رسد بسیط انگارانه است که پذیرفته شود در عصر صادقین (ع) امکان داشته شیعه فاقد هرگونه تفکری در مسائل دینی باشد و در همه اصول و فروع - به معنایی که در روایت امام رضا (ع) نقل شد - به امام رجوع می‌کرده است، چه رسد به اینکه کسی بخواهد این مطلب را اثبات کند.

شیوه تعیین قاضی در عصر حضور

در مقاله مورد بحث، نسبت به مسئله تعیین قاضی در عصر حضور ادعا شده که در عصر صادقین (ع) قاضی از سوی امام نصب می‌شده است؛ اما در دوره بعدی نگرش نسبت به تعیین قضات امامیه تغییر کرد؛ فرد آشنا با فقه امامیه توسط متنازعین به عنوان قاضی انتخاب می‌شده و در صورت عدم دسترسی به چنین کسی مراجعه به قاضی اهل تسنن تجویز می‌شده. در صورت نیاز فوری به قاضی و عدم دسترسی به امام و عالمی امامی، باید نظر فقیه اهل تسنن پرسیده شده، سپس عکس آن عمل شود.^۱ این اظهارات از چند جهت مناقشه‌پذیر است.

امامیه بر پایه شواهد متعددی معتقد است که رویه تعیین قاضی در کل عصر حضور مشابه بوده، تفاوتی بین عصر صادقین (ع) و پس از آن وجود ندارد؛ همان‌طور که خود کلبرگ از علامه مجلسی نقل می‌کند، تعیین قاضی توسط امام رویه‌ای بوده که در همه دوره‌ها وجود داشته، هرچند طبعاً آزادی عمل ائمه (ع) در رواج این رویه تأثیرگذار بوده است. درخصوص امکان این روش، حتی در زمان صادقین (ع) این‌گونه نبوده که دسترسی به قاضی در کل دوره صادقین (ع)، همیشه برای همه مقدور باشد؛ به همین دلیل به اقتضای شرایط راهکارهای جایگزین - که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرند - از همان دوره مطرح بوده‌اند.

روش دیگر تعیین داور برای حل پرونده قضایی، تعیین قاضی با توافق طرفین اختلاف بوده که اصطلاحاً از آن به قاضی تحکیم تعبیر می‌شود. نکته قابل توجه آنکه تعیین قاضی به روش تحکیم بین شیعه و اهل تسنن اجماعی بوده^۲ و در عالم اسلامی دوران

۱. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 205.

۲. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، ۶/۲۴۱.

امام صادق علیه السلام وجود داشته است. همچنین در منابع معتبر امامیه گزارش های روایی از امام صادق علیه السلام در تأیید قاضی تحکیم استفاده می شوند؛^۱ با این وجود چگونه می توان بدون ابراز تردید مدعی شد که روش تحکیم برای تعیین قاضی امری بوده که در دوره های بعد به خاطر عدم دسترسی به امام به وجود آمده است؟

جنبه قابل تأمل دیگر در کلام کلبرگ این است که وی بار دیگر با استناد به داده های تک گزاره ای و ارائه تفسیر دلخواه از آن، بدون اشاره به اختلاف نظرها، جازمانه از منابع روایی برخلاف تلقی خود شیعه این طور برداشت می کند که وظیفه شیعیان در صورت فوریت نیاز قضایی و عدم دسترسی به قاضی صالح، پرس و جو از رأی قاضی اهل تسنن و عمل به عکس آن است؛ وی سپس این طور واکنش نشان داده: «این ادعا که روایات قضائی اهل سنت به طور خودکار کنار گذاشته می شوند، هرچند در این مورد جاری است، دارای مضامین جدلی آشکار است؛ البته در حقیقت اهل سنت و امامیه در بسیاری از نظریات قضائی اتفاق نظر دارند»^۲ و بدین سان بر بی منطقی و ضدستیزانه بودن این روش تأکید می کند تا بار دیگر چالش برانگیز بودن باورهای شیعی برای خواننده روشن شود.

درباره روایات مخالفت با عامه مباحث دلالی و سندی مختلفی مطرح شده و جمع بندی واحدی وجود ندارد؛ به عنوان نمونه بسیاری بر این باورند که مخالفت عامه یکی از مرجحات در باب تعارض روایات است که باتوجه به فضای تقیه در آن دوران، احتمال تقیه ای بودن یکی از دو طرف تعارض که موافق با نظر عامه بیان شده، وجود دارد و در نتیجه احتمال مراعات جهت صدور برای طرف دیگر تعارض قوت می یابد و بدین تفسیر دارای ترجیح خواهد بود؛ از این رو، برخلاف واکنش کلبرگ، روایات مخالفت با عامه همچنین از نگاه فرامذهبی، می توانند دارای پشتوانه نظری و غیر جدلی محسوب شوند.^۳

۱. ر.ک: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۴۱۲/۷؛ حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۸/۲۷، ۱۵/۸؛ گفتنی است صاحب جواهر برای اثبات قاضی تحکیم همچنین به روایات نبوی اشاره می کند (ر.ک: نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ۲۵/۴۰-۲۶) و به نظر می رسد رویه گزینش قاضی تحکیم از صدر اسلام وجود داشته است.

۲. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 205.

۳. ر.ک: تسلیخ و همکاران، «واکاوی دلالت قاعده «مخالفت با عامه» در فقه و اصول شیعه»، پژوهش های فقهی، ۱۵ (۴) / ۵۷۷-۵۷۹.

نظر علمای متأخر دربارهٔ اصحاب ائمه علیهم‌السلام

در مقالهٔ مورد بحث چنین ادعا شده:

فرضیهٔ اساسی که همهٔ علمای امامیه متأخر در آن اشتراک دارند، روشن است: تمام اقداماتی که شاگردان ائمه علیهم‌السلام در دوران پیش از غیبت انجام می‌داده‌اند، مورد تأیید امام بوده است. در این راستا، شریف مرتضی استدلال می‌کند که امامان علیهم‌السلام در تعیین یک یا چند نفر از نایب‌ها (خلیفه) که به عنوان رهبران نظامی (أُمراء)، قاضی یا داوری خدمت می‌کردند، آزاد بودند. هریک از این‌ها مسئول اجرای بخش خاصی از شرع مقدس بودند و همه در برابر امام پاسخگو خواهند بود، طوری که هرگاه خطایی از سوی یکی از آنها سر می‌زد، امام برای اصلاح اوضاع مداخله می‌کرد.^۱

این نقل قول از علمای امامیه که: «تمام اقداماتی که شاگردان ائمه علیهم‌السلام در دوران پیش از غیبت انجام می‌داده‌اند، مورد تأیید امام بوده است»^۲، در کلیت خود ابدأً صحیح نیست و به جز یک ارجاع - که صحت استدلال به آن مورد بحث قرار خواهد گرفت - سندی برای آن ارائه نشده است. در مقابل، موارد متعددی از خطاهای اصحاب و عاقبت نابخیری اصحاب سرشناسی همچون طاهر بن حاتم، بنوفضال، طلحه و زبیر مورد پذیرش قرار گرفته است. همچنان‌که پذیرفته شده گاهی مقصود امام به درستی توسط اصحاب فهمیده نمی‌شده، تا در مرحلهٔ عمل مدعی شویم عملکردها لزوماً مطابق با رأی معصوم بوده‌اند.^۳ نسبت به عبارتی که کلبرگ از سید مرتضی نقل می‌کند باید گفت که این عبارت تنها بر رویهٔ نصب افراد توسط امام دلالت دارد؛ اما اینکه افراد نصب شونده در تمام موارد مطابق نظر امام رفتار می‌کرده‌اند مشخصاً گزارهٔ دیگری است که از کلام سید مرتضی قابل استنتاج نیست. با وجود آن که امامان معصوم علیهم‌السلام در نصب وکیل و نماینده،

jep.emamat.ir

۹۴

دوفصلنامهٔ امامت‌پژوهی - شمارهٔ ۱۳۱ - پاییز و زمستان ۱۳۹۳

۱. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 205.

۲. Kohlberg, Etan, In Praise of the few, P 205.

۳. به عنوان نمونه ر.ک: مفید، عباس و حسینی شیرازی، سید علیرضا، «فعالیت فرهنگی فتحیه در انتقال حدیث امامیه (نمونه موردی بنوفضال)»، مطالعات اعتبارسنجی حدیث،

احراز شرایطی همچون وثاقت، عدالت، رازداری و غیر آن را مد نظر قرار می‌داده‌اند، ولی چنان‌که لازمه طبع تغییرپذیر و گاه نفاق‌آلود آدمی است، برخی از این افراد راه خیانت و انحراف را پیشه خود می‌ساختند.

همچنین موضوع گزاره مطلوب کلبرگ: «تمام اقدامات شاگردان مورد تأیید امام بوده‌اند» اعم از موضوع گزاره مطرح در کلام سید مرتضی است؛ زیرا می‌دانیم این‌گونه نیست که همه شاگردان اهل بیت علیهم‌السلام برای امری از جانب ایشان نصب شده باشند؛ درنتیجه دلیل ارائه شده در کلام سید مرتضی اخص از مدعا است.

استقلال علمی و عملی برخی علمای عصر حضور

نگارنده مدعی شده که در عصر حضور گاهی علمای یک منطقه، استقلالی فراتر از آنچه امام مطلوب می‌دانسته به دست می‌آورده‌اند. وی برای این ادعا به چند شاهد تمسک می‌کند؛ ازجمله اینکه برخی از علمای قم اطلاق علم امام را نمی‌پذیرفته‌اند و به تقصیر متهم بودند، یا اینکه «احمد بن محمد بن عیسی اشعری» برخی افراد شاخص را به اتهام انحراف فکری از مراکز جمعیتی بیرون کرده است.^۱

این در حالی است که هیچ‌یک از این شواهد بر استقلال بیش از حد افراد یادشده از نظر امام دلالتی ندارد. اثبات گزاره مورد بحث (استقلال علما، بیش از حد مطلوب امام) مبتنی بر شناسایی حد مطلوب امام از استقلال علما است؛ مطلبی که توسط کلبرگ به بحث و اثبات گذاشته نشده است. اساساً هر نوع مقایسه دارای دو طرف است، درحالی‌که کلبرگ فقط یک طرف را بیان کرده است. در این فضا، شواهدی که نوعی از استقلال را برای علما اثبات می‌کنند نمی‌توانند دلیلی برای «استقلال بیش از حد مطلوب امام» تلقی شوند.

همچنین باید در نظر داشت که نزد امامیه و به‌ویژه در هندسه معرفتی شیعه، عصر تلقی و نشر حدیث، اختلاف نظرهای علما بدین معنی است که هریک نظر خود را مطابق با رأی امام می‌دیده است، نه اینکه با اعتراف به مخالفت با نظر امام چیزی را به دین نسبت می‌داده‌اند. همان‌طور که کلبرگ مفصل توضیح داد، علم به شریعت راستین از مهمترین ویژگی‌های امام است و اگر کسی نظر خود را بر کسی مقدم بداند،

اساساً بین این دو فرد، پیشوایی و امامتی برقرار نخواهد بود.

براساس این توضیح، اگر احمد بن عیسی کسی را از شهر اخراج می‌کند، باور ندارد که امام نظر متفاوتی دارد و باین حال فارغ از نظر امام، رأی خود را ترجیح داده و مستقل از امام عمل کرده است! در مورد علم امام نیز معتقدان به عدم اطلاق علم، باور ندارند که امام دانش خود را مطلق معرفی کرده، آنها علی‌رغم فرمایش امام، نظر مستقل خود را دارند و عدم اطلاق را پذیرفته‌اند. حال اگر منظور از استقلال در نظر کلب‌برگ تفاوت واقعی رأی امام و اصحاب است، بدین معنا که ممکن است اصحاب به اشتباه نظر امام را تلقی کنند، گرچه در صحت این امر خدشه‌ای وارد نیست؛ اما اولاً این معنا از عبارت کلب‌برگ متبادر نمی‌شود و ثانیاً در تحقق این معنا بین دوره‌های مختلف عصر حضور ائمه علیهم‌السلام و حتی عصر غیبت، تفاوتی وجود ندارد.

نکات کلی

باوجود تتبع فراوان نگارنده در منابع متنوع شیعی که امری قابل تحسین به شمار می‌رود، این نوشته کلب‌برگ خالی از سوگیری به نظر نمی‌رسد؛ انتخاب مباحث و نحوه پردازش آنها به گونه‌ای است که با مطالعه آن توسط مخاطب ناآگاه از عقاید رایج شیعی و تأکید فراوان امامیه بر عقل‌گرایی، ناشی از اصرار نگارنده بر ارائه مسائل چالشی و افسانه‌گونه - هرچند بی‌ارتباط با موضوع مقاله - در موارد متعدد، تصویری از فرقه‌ای انحرافی با عقاید عجیب برای او ایجاد می‌شود.^۱ همچنان که مباحث زیادی خارج از محور اساسی مقاله مطرح شده است و گاهی حتی سیر مباحث یا ارتباط مسائل مطرح شده با موضوع چندان روشن نیست.

چالش اساسی دیگر مقاله را می‌توان نحوه مواجهه آن با روایات به مثابه اسناد تاریخی دانست. مقدمتاً باید اشاره شود که بهره‌گیری از متون دینی همواره به دو شکل امکان‌پذیر است:

مراجعه مستقیم به این متون و تفسیر مستقل آنها توسط مراجعه‌کننده، فارغ از برداشت طرفداران خود آن آئین؛

۱. به عنوان نمونه ر.ک: همین تحقیق، موارد ۴، ۹، ۱۳.

مراجعه فرآوری شده از دریچه فهم خود اهل آن دین یا مذهب؛ درخصوص متون روایی شیعه، حتی خود علمای شیعه قبول ندارند که همه روایات موجود در منابع روایی از معصوم صادر شده است و به لحاظ تاریخی یا دینی حجت محسوب می‌شوند. همچنین فرآیند برداشت از این متون که از آن تحت عنوان استنباط یاد می‌شود، فرآیندی است کاملاً پیچیده و چند متغیری که با ملاحظه مجموع قرائن -از جمله حکم عقل- شکل می‌گیرد.

اگر کلبرگ می‌خواست اندیشه شیعه را از پنجره نگاه خود شیعه به تصویر بکشد، باید طریق دوم را می‌پیمود؛ همچنان که گزینش روش اول برای استنباط معارف دینی -آنچه عملاً از کلبرگ شاهد هستیم- نیازمند دانش پیشینی مفصلی است که باتوجه به نحوه پردازش اطلاعات توسط کلبرگ می‌توان فهمید که وی با روش متعارف به استنباط گزاره‌های اعتقادی نپرداخته؛ به عنوان نمونه به لحاظ سندی، در مقاله کلبرگ هیچ‌گونه بررسی سندی وجود ندارد، درحالی که به کارگیری شیوه‌ای جدید در یک دانش ابتدا نیازمند اثبات صحت آن روش است.

مسئله بنیادین دیگر درخصوص تحقیق مورد بحث را می‌توان عدم وضوح هدف و ثمره آن دانست؛ علی‌رغم اینکه در مقدمه مقاله بیان شده بود که بناست بینش خود شیعه نسبت به عقایدش منعکس شود، در موارد بسیاری اقوال نادر و یا برداشت انتقادی خود نگارنده ارائه شده است. با مطالعه مقاله می‌توان هدف نگارنده را ارائه خوانشی انتقادی از تاریخ شیعه در متون تاریخی-روایی خود شیعه دانست؛ اگر هدف نگارنده القای شبهه کلامی جدیدی علیه شیعه بوده، باید متذکر شد که در اصول فهم دینی شیعه، خردگریزی خط قرمزی محسوب می‌شود که به خاطر آن ظواهر تأویل می‌شوند و نصوص کنار گذاشته می‌شوند.^۱

باتوجه به این منطق فهم دین نزد شیعه، بر فرض که برخی انتقادات کلبرگ از خوانش رایج باورهای کلامی شیعه صحیح باشد، نهایتاً شیعه لازم دارد تجدید نظرهایی در اعتقادات خود اعمال کند؛ همچنان که نسبت به اشکالات بنیادین باید گفت که با منطق فهم دین شیعه، اگر از روایتی اشکال کلامی بنیادینی برداشت شود -مثل نفی

۱. ر.ک: خیراللهی، محمود، «جایگاه عقل در قلمرو دین»، معرفت، ۷۵/۱۳۲-۸۳.

عصمت امام در انتقال شریعت... به جای پذیرش اشکال، طبعاً آن روایت به تأویل می‌رود یا کنار گذاشته می‌شود. حاصل این توضیحات آنکه نوشته کلب‌رگ نه چالش کلامی به وجود می‌آورد و نه شیعه به درستی معرفی شده است. آخرین نکته کلی درباره مقاله مورد بحث این است که برای توصیف یک پدیده، ضروری است به مهم‌ترین ارکان آن پدیده توجه شود؛ این در حالی است که نگاه کلب‌رگ به صفات امام و همچنین جوانبی که برای تشخیص رابطه امام با جامعه باید در نظر گرفته شوند، تکه‌تکه و ناقص تلقی می‌شود.^۱

نتیجه‌گیری

کلب‌رگ در مقاله «امام و جامعه در دوران پیش از غیبت» تلاش کرده است تا با رویکردی تاریخی و انتقادی، به بررسی جایگاه امام در جامعه شیعه و روابط متقابل آنها بپردازد. با این حال، نقدهای وارد بر این مقاله، نشان از برخی نواقص و ابهامات در تحلیل و استدلال‌های نویسنده دارد. هدف اصلی مقاله به طور دقیق مشخص نشده است و در برخی موارد، مباحث فرعی و جانبی بر محور اصلی تحقیق سایه افکنده‌اند. به طور کلی تقسیم‌بندی مباحث ارائه شده در مقاله، همواره جامع و مانع نبوده و در برخی موارد، با نظریات رایج در میان دانشمندان شیعه نیز تطابق نداشته است؛ به عنوان مثال کلب‌رگ صرفاً به یک بعد از شخصیت امام، یعنی علم او، پرداخته و از سایر ابعاد غافل شده است.

این شیعه‌پژوه غربی در بسیاری از موارد، بدون ارائه شواهد و مستندات کافی ادعاهایی را مطرح کرده است. از سویی، نویسنده در تحلیل روایات، گاه به صورت انتخابی به برخی روایات استناد کرده و روایات دیگر را که با نظر او سازگار نیستند، نادیده گرفته است. نویسنده به جای ارائه تصویر روشنی از باورهای شیعه، بر جنبه‌های چالشی و افسانه‌گونه برخی از این باورها تأکید کرده است.

در مجموع، می‌توان گفت که مقاله کلب‌رگ، با وجود تلاش نویسنده برای ارائه یک تحلیل انتقادی از منابع شیعه، به دلیل نواقص ذکر شده، نمی‌تواند به عنوان یک

۱. به عنوان نمونه رجوع شود به مباحث ذیل عنوان «تقسیم مباحث مقاله» و «مباحث قابل طرح ذیل صفت علم امام».

منبع معتبر و جامع برای مطالعه جایگاه امام در جامعه شیعه مورد استفاده قرار گیرد. سزاوار است تحقیقات درون مذهبی بیشتری به بررسی رابطه امام و جامعه شیعه بپردازند؛ همچنان که جای خالی تحلیل و نقش آفرینی خود شیعه در فضای مطالعات اسلامی و شیعه پژوهی کاملاً محسوس است.

فهرست منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب، چاپ اول: علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ الكبير، چاپ اول: دار الکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
- برغانی، محمد تقی، مجموعه مقالات علم امام، چاپ اول: دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۸ش.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة، چاپ دهم: مؤسسة آل البيت، قم، ۱۳۸۶ش.
- حلی، حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، چاپ اول: المطبعة الحیدریة، نجف، ۱۳۷۰ق.
- سبحانی، جعفر، محاضرات في الإلهیات، علی ربانی گلپایگانی، چاپ یازدهم: مؤسسه الإمام الصادق، قم، ۱۴۲۸ق.
- ، ولایت تکوینی و تشریعی از دیدگاه علم و فلسفه، چاپ دوم: مؤسسه امام صادق، قم، ۱۳۸۵ش.
- شریفی، احمد حسین؛ منصور نصیری و حسن یوسفیان، انسان، راه و راهنماشناسی، چاپ اول: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۸ش.
- صدوق، محمد بن علی، صفات الشیعة، اعلمی، تهران، بی تا.
- طوسی، محمد بن الحسن، الخلاف، چاپ دوم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۸ش.
- عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، چاپ اول: دار صادر، تهران، ۱۳۲۵ق.
- فاریاب، محمد حسین، معنا و چیستی امامت در قرآن سنت و آثار متکلمان، چاپ اول: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۱ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۳ش.
- مطهری، سید مصطفی، اتان کبرگ و حدیث امامیه، چاپ اول: نشر رود آبی، قم، ۱۳۹۹ش.

مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، غفاری، علی اکبر و دیگران، چاپ دهم: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۴ ش.

مکارم شیرازی، ناصر، أنوار الأصول، احمد قدسی، چاپ دوم: مدرسة الإمام علي بن أبي طالب، قم، ۱۴۲۸ ق.

نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

هیثمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة فی الرد علی أهل البدع والزندقه، عبدالوهاب عبد اللطیف، مكتبة القاهرة، قاهره، بی تا.

مقالات

احمدیان دلایز، حسن و اسماعیلی، معصومه، «نقد دیدگاه اتان کلبیگ در تحلیل مفهومی و پیشینه شناسی اصطلاح رافضیه»، تاریخ اسلام در آیین پژوهش، ۴۹، ۷-۲۲، ۱۳۹۹ ش.
اسماعیلی، معصومه، «قلمرو و ویژگی های علم امام در اندیشه کلامی مرحوم کراچکی»، معرفت، ۲۸۲، ۴۱-۳۱، ۱۴۰۰ ش.

پیروفر، سهیلا و موسوی نیا، سعیده سادات، «بررسی روایات لعن زرارة بن اعین باتوجه به جریان های کلامی امامیه»، علوم حدیث، ۷۵، ۱۳۴-۱۱۶، ۱۳۹۴ ش.

ترابی قمشه ای، اکبر، «هشام بن حکم و اتهامات»، کلام اسلامی، ۱۶، ۶۶-۵۶، ۱۳۷۴ ش.
تسلخ، محسن و دیگران، «واکاوی دلالت قاعده مخالفت با عامه در فقه و اصول شیعه»، پژوهش های فقهی، ۱۵ (۴)، ۵۷۳-۵۹۹، ۱۳۹۸ ش.

جواهری، محمدرضا، «دیدگاه امام رضا (ع) درباره حقوق اهل بیت و وظایف مردم در قبال امامان»، فرهنگ رضوی، ۱، ۸۶-۶۱، ۱۳۹۲ ش.

خیرالهی، محمود، «جایگاه عقل در قلمرو دین»، معرفت، ۱۳۲، ۹۰-۷۳، ۱۳۸۷ ش.
رضایی هفتادر، حسن و سروی، فاطمه، «نقد نظر اتان کلبیگ در تحریف قرآن»، پژوهش های قرآن و حدیث، ۴۶، ۸۷-۷۳، ۱۳۹۲ ش.

سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم و دیگران، «بررسی منابع علم امام (ع) از منظر روایات»، کلام اسلامی، ۱۰۵، ۸۷-۱۱۴، ۱۳۹۷ ش.

معارف، مجید؛ طباطبایی نژاد، سید سجاد و میرحسینی، یحیی، «نقدی روایی کلامی بر دیدگاه اتان کلبیگ در موضوع تقیه از منظر شیعه امامیه»، علوم حدیث، ۶۹، ۱۵۵-۱۸۰، ۱۳۹۲ ش.

مفید، عباس و حسینی شیرازی، سید علیرضا، «فعالیت فرهنگی فطحیه در انتقال حدیث امامیه (نمونه موردی بنو فضال)»، مطالعات اعتبارسنجی حدیث، ۱، ۸۳-۶۱، ۱۳۹۸ ش.

منتظری مقدم، حامد و احمدی، سید آیت الله، «مناسبات اجتماعی شیعیان عصر

حضور در تعامل با امامان معصوم علیهم‌السلام»، شیعه‌شناسی، ۱۳ (۵۰)، ۷۱-۱۰۲، ۱۳۹۴ ش.
 منتظری مقدم، حامد، «بازخوانی و نقد دیدگاه‌های کلبرگ و مدرسی طباطبایی دربارهٔ
 پیدایش تشیع دوازده امامی»، تاریخ اسلام در آیین پژوهش، ۴۸، ۱۰۳-۱۲۴، ۱۳۹۹ ش.
 نجفی، محمد علی و آرام، محمدرضا، «ارزیابی و نقد دیدگاه اتان کلبرگ در یکسان‌نگاری
 فرقه‌های اثنا عشریه و حریبه»، پژوهش دینی، ۴۱، ۲۵۹-۲۷۸، ۱۳۹۹ ش.
 نور علی زاده، مسعود، «عقل‌گرایی حداکثری و معتدل در دین‌شناسی»، معرفت، ۷۸،
 ۳۳-۴۲، ۱۳۸۳ ش.
 وسفی مقدم، محمد صادق، «ضرورت بازنگری درمبانی و روایات قیاس»، فقه، ۱۵ (۵۷)،
 ۸۵-۱۴۵، ۱۳۸۷ ش.
 الویری، محسن، «از امامیه تا اثنا عشریه»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام،
 ۲، ۲۰۱-۲۲۰، ۱۳۷۴ ش.

منابع لاتین

Kohlberg, Etan, In Praise of the Few: studies in Shi'i thought and history, Leiden-Boston: Brill, 2020.